

آینده پژوهی مهدوی

حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر

چکیده

«آینده پژوهی» شناخت آینده در موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فن‌آوری است که امکان انتخاب، برنامه‌ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌سازد. در واقع آینده پژوهی در صدد ایجاد دوراندیشی و آینده‌شناسی در سطوح مختلف زندگی بشری است تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به رویدادها و تحولات فراروی جهان، توانایی برخورد سنجیده و مناسب با آنها را فراهم سازد و یا الگوها و سناریوهای مطلوب و موجهی برای آن ارائه دهد. از آنجایی که بخش مهمی از «آموزه مهدویت» توجه به آینده و بایستگی آمادگی، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری «آینده مطلوب» است، می‌تواند در بعضی از روش‌ها و نگرش‌ها پیوندهایی با «آینده پژوهی» داشته باشد. در ضمن اینکه خود جامع مؤلفه‌های مطالعه و کاوش درباره آینده است و می‌تواند دانش جدیدی را تحت عنوان «آینده پژوهی مهدوی» شکل دهد. این پژوهش عهده‌دار تبیین این دو بخش است؛ یعنی بیان چابستی آینده پژوهی و شکل‌گیری آینده پژوهی مهدوی.

کلیدواژه‌ها: آینده پژوهی، مهدویت پژوهی، آینده پژوهی مفهومی، آینده پژوهی عرفی، علم الانتظار.

پیش درآمد

توجه و نگاه به آینده و کاوش و کنکاش درباره آن به هر شکل جزء آینده‌شناسی قرار می‌گیرد؛ چه این نگاه به نیت درک و فهم آینده باشد؛ چه جهت پیش‌بینی و تعمیم یافته‌ها؛ چه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان و جزئی و چه بررسی و شناخت اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها. اما لزوماً آینده پژوهی - به معنای مصطلح آن - محسوب نمی‌شود. مهم‌ترین رکن «آینده پژوهی» درک و شناخت سامان‌مند آینده و ترسیم و تصویر وضعیت‌های ممکن و محتمل از آن و حرکت به سمت وضعیت مطلوب و مرجح است. تصویر و ترسیم بشر از آینده، می‌تواند متکی بر مؤلفه‌ها و انگاره‌های مختلفی باشد؛ از جمله:

- حدس‌ها و گمانه‌زنی‌های شخصی؛

- پیش‌بینی بر اساس قراین و شواهد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (برای زمان‌های کوتاه مدت و بلند مدت)؛

- تجربیات تاریخی و الگوها، قوانین و سنت‌های مستخرج از تاریخ (عموماً مبتنی بر فلسفه نظری تاریخ)؛

- رویکردهای تجربی مبتنی بر قوانین علمی (قوانین علی و شرط و مشروط)؛

- گمانه‌زنی‌ها و خیال‌پردازی‌های ادبی، هنری، فلسفی و ... (نویسندگان رمان‌های آینده‌نگر و «یتوپیا» نویسان و...)

- آینده‌نگری بر اساس ستاره‌شناسی، اختربینی، طالع‌بینی و اوضاع کواکب و ... (عموماً بر پایه بعضی از الگوهای مکتوب و ثابت نشده)؛

- آینده‌نگاری رمز گرایانه و رمالانه و شاعرانه (مبتنی بر بعضی از فنون و علوم ابجد گونه و اعداد و ... که به علت رمز آلودگی و دو پهلوئی جاذبه خاصی دارد)؛

- کشف مجهولات آینده براساس ریاضت‌های روحی و توجهات و نگرش‌های شهودی و ...؛

- آینده‌نگری براساس علم غیبی اولیا و صالحان (مکاشفه و شهود و ...)

- آینده‌سازی براساس طراحی و برنامه‌ریزی نهادها، مؤسسات و گروه‌های ذی‌نفع (مبتنی بر تحلیل‌ها و برداشت‌های دانشمندان، نظریه‌سازان و تحلیل‌گران نظام بین‌الملل)؛

- احتمالات و پیش‌بینی‌های مدیریتی، صنعتی، زیست محیطی و ... (مبتنی بر پیام‌شناسی، پیشرفت‌شناسی، هشدارگری و ...)

- پیش‌گویی‌های وحیانی (مبتنی بر کتاب‌های آسمانی به خصوص قرآن و روایات معصومین).

اعتبار و صدق و کذب گزاره‌های یاد شده، محل بحث و بررسی است که از گستره این نوشتار خارج است؛ ولی به نظر ما تنها گزاره یقینی و قطعی، پیش‌گویی‌های وحیانی و غیبی است. این گزاره، براساس علوم غیبی است که خداوند در اختیار پیامبران و اولیا قرار داده و یا در کتاب‌های آسمانی ذکر کرده است.

در هر حال نگاه به آینده، پیشینه‌ای به فراخنای زندگی بشری دارد و «آینده‌نگری» مسیرها، مراحل و گذرگاه‌های مختلفی را طی کرده و از گمانه‌زنی، اختر بینی، بت‌پویا نویسی، فلسفه نظری تاریخ و ... به «آینده‌پژوهی» رسیده است. در واقع آینده‌پژوهی، شکل نظاممند و سازمان یافته نگاه به آینده است که می‌تواند در بسیاری از طیف‌های آینده‌نگری کارایی داشته و آنها را روش‌مندتر، کاربردی‌تر و عصری‌تر کند.

«آینده‌پژوهی»، توجه به آینده را جدی‌تر و عینی‌تر کرده و آن را وارد فضای حقیقی زیست انسانی نموده است؛ در حالی که بسیاری از شکل‌های آینده‌نگری، مجازی و غیر واقعی هستند. البته، فلسفه نظری تاریخ، عمدتاً شکل علمی و کلان آینده‌نگری است که بر امتداد روندهای تاریخی صحه می‌گذارد و توانایی «تفسیر بزرگ» از تغییرات و تحولات اجتماع بشری را بر عهده دارد. اما امروزه نگاه به آینده و پیش‌بینی آن، تبدیل به ابهام‌زدایی از آن، فهم نسبتاً درست دگرگونی‌ها و تسلط بر آینده شده است. پس در این رویکرد، صرفاً تکیه بر یافته‌های تاریخی و فلسفی دانشمندان (نظم‌ها و قوانین تاریخی) نیست؛ بلکه هر دلیل و مستندی که بتواند در کشف رویدادها دخیل باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد (البته براساس شیوه و روش‌های خاص آن). مهم‌تر از آن، آمادگی برای تحولات فرا رو و طراحی نظاممند آینده و کوشش برای تعیین آگاهانه و ارادی تاریخ، از مؤلفه‌هایی است که به طور جدی، در آینده‌پژوهی مورد توجه است. هر گونه آینده‌نگری، به شناخت آینده نیاز دارد و آینده‌شناسی نیز بر انگاره‌ها و پیش فرض‌هایی در خصوص وجود نوعی پیوند و توالی میان حوادث و رویدادهایی است که «آینده‌پژوهی» آنها را سامان می‌بخشد.

در وراي همه آینده‌نگری‌ها و آینده‌نگاری‌ها در طول تاریخ، همواره بشر شاهد آینده‌شناسی دینی بوده است. این آینده‌شناسی، نگاهی روشن و جامع به کل تاریخ و پیش‌گویی حتمی و فراگیر آینده است. «قرآن» و «روایات معصومین علیهم السلام» در شریعت اسلام، نمونه کامل این آینده‌شناسی وحیانی و غیبی هستند و موارد فراوانی از این پیش‌گویی‌ها، در طول تاریخ محقق شده است. البته علم به آینده فقط در دست خداوند است و او است که پیامبران و حجّت‌های خود را از آن آگاه می‌سازد تا دلیلی بر حقانیت آنها و معجزه‌ای بر راستی آنها باشد.

مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل «نجات‌گرایانه» دین، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، آینه تمام‌نمایی پیش‌گویی وحیانی دین اسلام و آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود امم است. «آموزه مهدویت»، پاسخ‌گویی به بسیاری از دغدغه‌ها و سؤال‌های انسان در طول تاریخ و چشم‌اندازی الهی و ایمانی به جامعه‌ای برتر و کارآتر است.

همة ابعاد و مؤلفه‌های يك «آینده‌پژوهی» در این آموزه وجود دارد: هم تفسیر کلان از حیات معقول بشري و فرجام شناسی تاریخ (فلسفه نظری تاریخ) است؛ هم تصویر و ترسیم روشنی از وضعیت‌های مختلف (و در نهایت وضعیت حتمی) و هم راه و نظام رسیدن به آن. بر این اساس پیوند وثیقی بین آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی وجود دارد. مهدویت‌پژوهی، کاوش نظام‌مند تاریخی، اجتماعی، سیاسی، کلامی و تفسیری «آموزه مهدویت» و شناخت و فهم آینده بر اساس آن است.

این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «آیا می‌توان طرحی درباره آینده‌پژوهی مهدوی داشت؟» به عبارت روشن‌تر «مسأله علمی» این تحقیق چیستی «آینده‌پژوهی» و شکل‌گیری دانش «آینده‌پژوهی مهدوی» است.

به همین جهت ابتدا چیستی «آینده‌پژوهی» مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس درباره زمینه‌ها و ظرفیت‌های بهره‌گیری از آن در «مهدویت‌پژوهی» بحث می‌شود.

يك. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی (Futures Studies)، آینده شناسی (Futurology)، آینده نگاری (Foresight)، پیش‌بینی (Forecast) و ... اصطلاحات و واژه‌هایی‌ها است که کم و بیش در نوشته‌ها و رویکردهای علمی و پژوهشی دیده می‌شود. در واقع امروزه رشته‌های علمی جدیدی که هدفش مطالعه منظم آینده است، معروف به آینده‌پژوهی، آینده‌نگری و یا پژوهش‌های معطوف به آینده نامیده می‌شود و کارشناسان و پژوهشگران آن، آینده‌پژوه (Futurist) نام دارند.

آینده‌پژوهی: «به عنوان يك مقوله میان رشته‌ای در پی کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و کاربست آن در زمان حال است. هدف آینده‌پژوهی، تولید روش‌مند دانش راهنما و استفاده بیشتر از ملاحظات آینده محور در فرآیند تصمیم‌گیری است.» [۱]

آینده‌پژوهی شکل خاصی از پرداختن به آینده است و بر مؤلفه‌هایی چون تداوم روندهای تاریخی، امکان آمادگی برای رو به رو شدن با آینده، رصد کردن تغییرات و تحولات ممکن و ... دلالت دارد. اهمیت و ضرورت «آینده‌پژوهی» امروزه بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا برای رویارویی با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، سیستم‌های علمی و تکنولوژی، بایستی یا از طریق سازگار کردن تکنولوژی‌های فعلی و یا ایجاد و به کارگیری تکنولوژی‌های جدید، قادر به پاسخ‌گویی و تغییر باشند. ارزش آینده‌پژوهی در آن است که یک فرصت ساختار یافته را برای نگاه به آینده، و بررسی نقش علم و تکنولوژی در آینده فراهم می‌آورد و بدین ترتیب زمینه و بستری مناسب را جهت سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی و ... برای کشورها فراهم می‌کند. [۲] امروزه آینده‌پژوهی وسیله و روش مناسب و مفیدی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف - به‌خصوص اقتصاد، فن‌آوری و سیاست - است و می‌تواند افق دید (چشم‌انداز) کشورها را نسبت به آینده، تغییر دهد و در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و حیاتی آنها را به فعالیت وادارد.

آینده‌پژوهی، جست‌وجو و کنکاش عالمانه درباره وضعیت زندگی بشري در آینده و دستیابی به نظم‌ها و الگوهای است که بتوان براساس آنها، آینده را پیش‌بینی نمود. آینده‌پژوهی تأمل و واکاوی منظم و منسجم درباره آینده جهت نیل به شناخت تغییرات و تحولات مستمر و امکان تطابق و برنامه‌ریزی برای آنها است؛ یعنی نگاه موشکافانه و نظام‌مند به موقعیت‌های مختلفی که در آینده برای زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشر احتمالاً به وجود می‌آید و ارائه راهکارهایی برای آمادگی و رسیدن به موقعیت‌های مطلوب و احتمالی است.

بر این اساس به نظر برخی: «آینده‌پژوهی، یکی از روش‌های مدرن مطالعه آینده است و از شاخه‌های فناوری‌های نرم محسوب می‌شود. البته هدف این علم نه تنها کشف آینده؛ بلکه اساساً مهندسی هوشمندانه آینده است. به همین دلیل است که آینده‌پژوهی جزو فناوری‌های نرم است و امنیتی جهت‌دار به شمار می‌آید.» [۳]

آینده‌اندیشی (آینده‌پژوهی) محصول نوعی رویکرد کم و بیش جدید، برای حل مسائل یا دستیابی به نوعی دانش و اطلاع در حوزه‌های مختلف است. دانش و اطلاعاتی که در مجموع تصویری از تحولات احتمالی در آینده را به شخص ارائه می‌دهد. دکارت زمانی در قرن هفدهم اعلام داشت: «هر آنچه قابل تصور است، امکان‌پذیر است.»

آینده‌اندیشان در هر حوزه و قلمروی که به فعالیت و پژوهش سرگرم باشند، می‌کوشند با تصویرکردن شمار هر چه بیشتری از آینده‌های ممکن (در حد توانایی ذهنی خود)، زمینه را برای مشخص ساختن آینده‌های محتمل از درون این آینده‌های ممکن، آماده سازند. آن‌گاه از میان این آینده‌های محتمل، مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین آینده‌ها، شناسایی می‌شود و کوشش می‌گردد، برای تحقق دسته نخست و جلوگیری از وقوع دسته دوم، برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت پذیرد. [۴]

۱-۱- آینده‌پژوهی در آینه تعاریف

تعاریف مختلفی از آینده‌پژوهی صورت گرفته که مشابهت‌های فراوانی با هم دارند:

«پیش‌بینی آینده، می‌تواند محصول کاوش سازمان یافته‌ای باشد که آن را آینده‌پژوهی می‌نامیم.»

«آینده‌پژوهی عبارت است از تلاش برای یافتن تصویری از آینده و ارائه توجیهی برای آن تصویر.» [۵]

گویگان آینده‌پژوهی را چنین تعریف می‌کند:

فرآیندی سیستماتیک و مشارکتی و گردآورنده «ادراکات آینده» است که چشم‌انداز میان مدت تا بلند مدت را با هدف اتخاذ تصمیمات روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد. [۶]

در فرهنگ وبستر آمده است:

آینده‌پژوهی، فرآیند سازماندهی شده و هدفمندی است که انتظارات بازیگران مختلف در مورد تکنولوژی را گردآوری و چشم‌اندازی‌های استراتژیکی در مورد آینده را تدوین می‌کند تا حامی توسعه اقتصادی و اجتماعی گسترده گردد.

تعریف بن مارتین، مقبولیت بیشتری در ادبیات آینده‌پژوهی دارد. وی می‌گوید:

آینده‌پژوهی، فرآیند «تلاش سیستماتیک» (نظام‌مند) برای نگاه به آینده بلند مدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد که با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نو ظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند. [۷]

با در نظر گرفتن تعاریف ارائه شده و سایر تعاریف، آینده‌پژوهی را چنین تعریف کرده‌اند:

آینده‌پژوهی، می‌کوشد تا معرفت و اندیشه‌ای آینده‌نگرانه را در میان بخش‌های تجارت، دولت و نهادهای دانش، برای درک فرصت‌ها و تهدیدهای محتمل طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده، در عرصه بازار و تکنولوژی‌ها، ایجاد کند و آن‌گاه با ایجاد و تقویت همکاری میان این سه بخش به جهت‌دهی فعالیت‌های آنان در راستای اهداف تعیین شده بپردازد. [۸]

تعریف مطلوب نگارنده در صفحات آتی ارائه خواهد شد.

۲-۱- پیشینه آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده و اساساً قدم نهادن در فراسوی زمان و موقعیت‌ها، همواره از امیال و آرزوهای دیرینه بشر بوده است. قدرت نامحدود ذهن و تخیل انسان‌ها، همیشه یگانه ابزار نیرومند برای قدم نهادن در آینده بوده و هست. این قوه

تخیل و جریان پویای ذهن، موجب فرا روی از زمان حال و قدم گذاشتن در آینده‌ای است که گاهی شگفت‌انگیز و غیرقابل باور می‌نماید.

تفکر درباره آینده و حوادث آن، سابقه‌ای به دیرینگی تاریخ خود آگاهی بشر دارد؛ همان‌گونه که مردم همه دوران‌ها، همواره مشتاق کشف و علم به آینده خویش بوده‌اند؛ فعالیت معابد یونان باستان (مثل معبد مشهور دلفی) و رواج و رونق حرفه طالع‌بینی، ستاره‌شناسی، تعبیر خواب و ... میان همه ملل و اقوام شاهد این واقعیت است.

در سال ۱۵۱۹ توماس مور، کتابی با نام یتوپیا (آرمان‌شهر)، منتشر ساخت. این کتاب نخستین نوشتاری است که به شیوه موشکافانه، به آینده می‌پردازد. بعدها نوستر آداموس، با نگارش چندین کتاب - از جمله کتاب سده‌ها - در سال ۱۵۵۵ از سرشناس‌ترین پیش‌گویان شد. ادوارد بلایمی در کتاب خود در سال ۱۸۸۸ چشم‌انداز جامع‌نگر از آینده بلند مدت را توصیف می‌کند....

نخستین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب یک تحلیل علمی، حدود سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۳ توسط یک گروه تحقیقاتی به سرپرستی ویلیام اف آگبرن و در زمینه جامعه‌شناسی انجام شد. در سال ۱۹۴۵ نیاز به پیش‌بینی تکنولوژی برجسته‌تر شد و به همین منظور، مؤسسه «رند (Rand)» گروهی را مأمور کرد تا تکنولوژی‌های نوظهور در یکصد سال آینده را پیش‌بینی کنند و زمینه برتری آمریکا در رقابت با شوروی را فراهم سازند. [۹].

این علاقه ذاتی و میل طبیعی به شناخت آینده در دوران کهن، به تدریج جای خودش را به ضرورت شناخت آینده در دوران معاصر داد؛ زیرا لازمه زندگی در دنیای پر سر و صدا و سیار امروزی - که شامل پیدایش توانمندی‌های فنی و حاوی تغییراتی غافلگیرکننده و بی‌ارتباط با زمینه قبلی است - همان مطالعه آینده به مثابه یک علم مدرن و امکان شناخت فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی است.

این زمان، دهه پیدایش سازمان‌های آینده‌پژوهی در گوشه و کنار جهان بود. در این سال‌ها هم‌زمان با پیدایش این سازمان‌ها، کتاب‌های مقدماتی خوبی در این موضوع پدید آمد؛ همچون کتاب مدخلی بر هنر و علم شناخت و شکل‌دهی به جهان فردا که کتابی کلاسیک و هنوز هم مورد توجه است.

سال ۱۹۶۷ شاهد اولین کنفرانس جهانی «آینده‌پژوهی» بود که در اسلو برگزار شد. این اجلاس و شرکت‌کنندگان آن، به عنوان منبعی برای تدوین کتاب بشریت در سال ۲۰۰۰ مورد استفاده قرار گرفت. این کتاب توسط دو تن از اعضای اصلی اجلاس، یعنی، روبرت یونگ (مؤسس آینده‌پژوهی وین) و جان گالتون (رئیس فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی) نوشته شد. پس از این سال‌ها، در دهه ۹۰ افرادی همچون ریک اسلاتر (بنیان‌گذار مرکز آینده‌پژوهی استرالیا) و رولف کریبج (نویسنده کتاب آینده‌پژوهی و سیاست)، نقش عمده‌ای در مطالعات آینده‌پژوهی ایفا کردند.

در همین سال‌ها یکی از نویسندگان جهان سومی به نام ضیاء‌الدین سردار، نظرات و انتقادهای مبسوطی را نسبت به گسترش آینده‌پژوهی در مقاله‌ای به نام «استعمار آینده» ارائه کرد. در پایان این سال‌ها و آغاز قرن بیست و یکم، باید از نویسندگانی چون یونجی ماسورا (استاد ژاپنی علوم اطلاعات) و پاول کندي (استاد تاریخ و نویسنده کتاب آمادگی برای قرن ۲۱) نام برد. [۱۰]

آینده‌نگاری از اوایل دهه ۱۹۹۰ م. با استقبال بی‌نظیری از جانب برنامه‌ریزی علم و تکنولوژی کشورهای مختلف رو به رو شد، به گونه‌ای که در طی این دهه، تقریباً اکثر کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه، برنامه‌هایی را در این خصوص تدوین و اجرا نمودند. حتی سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه صنعتی ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز مراکز و مؤسساتی را جهت پرداختن به مقوله «آینده‌پژوهی» تأسیس کرده‌اند. [۱۱]

در دهه ۶۰ آینده‌پژوهی به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم، پایه‌ریزی گردید و نخستین دوره آموزش «آینده‌پژوهی» در سال ۱۹۶۳ توسط جیم دی تور در ویرجینیا برگزار شد و ... به این ترتیب «آینده‌پژوهی» جزء فعالیت‌های رسمی

آموزشی - پژوهشی قرار گرفت. به نظر نگارنده این سطح از آینده‌پژوهی، بیشتر از آنکه جنبه نظری و تئوریک داشته باشد، پرداختن به امور جزئی آینده (اقتصاد، سیاست، صنعت...) است؛ در حالی که آینده‌پژوهی علمی، زیربنای تفکرات و اندیشه‌های انسان درباره آینده است. به همین جهت بایسته است که آن را در سطوح مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

۳-۱- سطوح آینده‌پژوهی

با توجه به تعاریف و رویکردهای مختلف درباره «آینده‌پژوهی»، می‌توان آن را در دو سطح و پارادایم، دسته‌بندی و تعریف کرد:

۱-۳-۱- آینده‌پژوهی به معنای اعم (آینده‌پژوهی مفهومی)

این نوع آینده اندیشی، بیشتر جنبه معرفتی و فکری دارد و نگرش‌های کلان به تاریخ بشری - به خصوص آینده جهان - را شامل می‌شود. در این مفهوم از آینده‌پژوهی ما با رویکردهایی گاهی همسان رو به رو هستیم که از جمله آنها می‌توان به فلسفه نظری تاریخ اشاره کرد. فلسفه تاریخ، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و شناسایی هدف، مسیرها و عوامل حرکت آفرین آن، جهت پیش‌بینی آینده و معنابخشی به حرکت تاریخ است. [۱۲]

همچنین می‌توان از نوعی آینده‌پژوهی مفهومی نام برد که همپوشانی فراوانی با «فلسفه نظری تاریخ» دارد. این نوع آینده‌پژوهی کاوش سازمان یافته جهت پیش‌بینی آینده است و برای این کار به کمک یک محمل مفهومی و تطورات آن مفهوم در حال و آینده، به آینده‌پژوهی می‌پردازیم. در این رابطه می‌توان از محمل‌های مفهومی‌ای چون تمدن، ارتباطات، فرهنگ، حکومت و ... بهره گرفت و نگاهی کلان به آینده داشت. [۱۳] بر این اساس می‌توانیم دوگونه «آینده‌پژوهی» همسان در اینجا شناسایی کنیم:

۱- فلسفه نظری تاریخ (فرجام‌شناسی فلسفی - تاریخی)

۲- آینده‌پژوهی مفهومی (نظریه پردازي معطوف به آینده)

۳-۲- آینده‌پژوهی به معنای اخص (آینده‌پژوهی جزئی یا عرفی)

این نوع آینده‌پژوهی در چند دهه اخیر رایج شده و در این نوشتار نیز همین نوع مورد نظر بوده است. این آینده‌پژوهی، حاصل تلاقی سه دسته از مفاهیم در حوزه‌های مختلف است؛ یعنی: ۱. برنامه‌ریزی یا برنامه‌ریزی استراتژیک؛ ۲. آینده اندیشی؛ ۳. شبکه‌سازی یا توسعه سیاست.

بر این اساس آینده‌پژوهی به معنای مهیا بودن برای آینده و استخدام منابع موجود به بهترین وجه ممکن و در راستای ارزش‌ها و اهداف است. این همان تلاش سیستماتیک، برای نگاه به آینده بلند مدت در حوزه‌های دانش، سیاست، فن‌آوری، اقتصاد، محیط زیست، جامعه و ... است که هدف اصلی آن، شناخت فرصت‌ها و فن‌آوری‌های جدید و تعیین بخش‌هایی است که سرمایه‌گذاری در آنها، احتمال بازدهی بیشتری دارد.

آینده‌پژوهی، به عنوان یک ابزار بسیار مؤثر جهت سیاست‌گذاری (به خصوص سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی) به دولت‌ها کمک می‌کند تا در شرایط دنیای امروز، به چالش‌هایی همچون جهانی شدن و رقابت فزاینده، پاسخی مناسب، ارایه و اقداماتی مؤثر انجام دهند. رویدادها، روندها، تصویرها و اقدام‌ها، چهار مؤلفه‌ای است که از درهم کنش آنها، آینده پدید می‌آید. یکی از کارکردهای مهم آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده (ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علایقشان را نسبت به آینده) محک زده و شفاف نمایند تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد. دیگر آنکه آینده‌پژوهی درصدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام‌های (کنونی) خود را از حد کوشش‌های فقط منفعلانه، فراتر برده، بکوشند تا آینده را پیش‌بینی کرده و سپس بر پایه پیش‌بینی‌های (درست‌تر)، طرح‌های

عملی خود را اجرا کنند و به پیش ببرند. این فقط گام اول آینده‌نگری است. گام بعدی ایجاد تصویرهای مثبت از آینده (آینده‌های مطلوب و مرجح) و اقدام به طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری براساس آن تصویرهای مثبت است.

یادگیری برای بینش‌مندی و بازنگری بینش‌های مرتبط با آینده و آنگاه اقدام به طرح‌ریزی و عمل بر پایه این بینش‌ها، به گونه‌ای که در عرصه طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری رایج است، قلب آینده‌پژوهی و آینده‌کاوی را تشکیل می‌دهد. [۱۴]

در جمع‌بندی این بحث می‌توانیم آینده‌پژوهی را چنین تعریف کنیم:

دانش شناخت نظام‌مند آینده در موضوعات و پدیدارهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فن‌آوری که امکان انتخاب، برنامه‌ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌سازد.

۴-۱ روش‌های آینده‌پژوهی

آینده‌اندیشان، برای شناسایی امکانات آینده و غربال کردن آنها و تهیه فهرستی از آینده‌های محتمل و سپس جدا ساختن سناریوهای مطلوب از نامطلوب، از شیوه‌ها، شگردها و روش‌های متعددی استفاده می‌کنند. اما آنچه که در همه این روش‌ها، کم و بیش مشترک است، تکیه بر معرفت ضمنی دانشوران در قلمرو مورد نظر است که در آن آینده‌اندیشی صورت می‌گیرد. در دو دهه اخیر آینده‌اندیشان در کنار توصیف آینده‌های ممکن و محتمل، به کار تجویز برخی از سناریوها نیز روی آورده‌اند. در رویکرد اخیر، فرض و مدعای اصلی آن است که آینده در زمره امور ساختنی است و بنابراین می‌باید با تهیه نقشه‌های مطلوب، شالوده شکل‌گیری آینده‌های مطلوب را از هم اکنون پی ریخت. [۱۵]

آینده‌پژوهان اندیشگاه رند، نخستین کسانی بودند که به طور جدی به مطالعه فن‌آوری‌های نوظهور و پیامدهای آنها بر امنیت ملی و توان نظامی یک کشور خاص پرداختند. آنان فنون و روش‌های جدیدی را برای تفکر درباره آینده ابداع کردند. آینده‌پژوهان دریافته‌اند که جهان آینده، با جهان کنونی، پیوسته است و بنابراین از طریق مطالعه نظام‌مند رویدادهای کنونی، می‌توان درباره رخداد‌های آینده، مطالب فراوانی آموخت. نکته کلیدی این است که به جای مطالعه و تمرکز بر رویدادها؛ یعنی، رخداد‌های ناگهانی و روزمره، باید بر روندها؛ یعنی، تغییرهای دراز مدت و پیوسته در حوزه‌هایی همچون جمعیت، جامعه، اقتصاد، دفاع، محیط‌زیست و فن‌آوری تمرکز کرد.

آینده‌پژوهان روش بسیار مفیدی با عنوان «سناریوسازی» را گسترش دادند. سناریو متضمن پیش‌بینی قطعی و دقیق جهان آینده نیست؛ (بلکه) توصیفی از رویدادهای ممکن و جداگانه‌ای است که امکان وقوع آنها در آینده، وجود دارد. به بیان دیگر، سناریوها، آمیزه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی و در عین حال واقع‌گرایانه از رخداد‌های احتمالی آینده هستند. [۱۶]

روش‌های «داستان‌پردازی» نیز در کمک به مخاطبان برای تخیل شرایط زندگی در آینده بسیار مفیدند. روش‌های «دلفی و آینده‌نگاری» از این واقعیت بهره می‌جویند که بهترین راه جمع‌آوری اطلاعاتی ارزشمند درباره آینده، مراجعه به خبرگان آگاه و تشویق آنها به گفت‌وگو است.

مدل‌های شبیه‌سازی نیز ساختاری کمی برای بررسی و مطالعه گزینه‌ها را فراهم می‌آورند. به کمک روش‌های «تحلیل تصمیم»، می‌توان خطاها و اشتباهات موجود در استدلال انسان‌ها را تصحیح کرد و ... البته هر یک از تکنیک‌ها و روش‌های فوق به تنهایی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های بسیار پیچیده همراه با عدم قطعیت عمیق، ناکافی هستند. [۱۷]

با توجه به این توضیح مختصر، می‌توان روش‌های پیش‌بینی آینده را چنین شمارش کرد:

۱. سناریوسازی (دیدگاه‌های چند گانه درباره آینده)؛

۲. روش دلفی (داستان‌پردازی گروهی و جمع‌آوری دیدگاه‌ها در مراحل زمانی خاص و مکرر آنان)؛

۳. آینده‌نگاری (داستان‌پردازی گروهی و جمع‌آوری کارشناسان در یک جا و اخذ نظرات آنان)؛

۴. مدل‌های شبیه‌سازی (مثل مدل شبیه‌سازی World3)؛

۵. روش دیدبانی (پایش مستمر تغییرات جهانی و رصد کردن هر نوپدیدار جدید)؛

۶. تحلیل روند (مطالعه یک روند مشخص برای کشف ماهیت و علت آن)؛

۷. پایش الگوهای نوظهور (شامل روش‌های ردگیری، شبیه‌سازی و ...)

۸. برون‌یابی روندها (ترسیم نموداری تغییرات روندها)؛

۹. روش پانل (تأمل متخصصان در موضوعات برجسته)؛

۱۰. روش پیمایش محیطی (پیمایش تغییرات محیطی و درک نیروهای خارجی)؛

۱۱. روش ذهن‌انگیزی (توفان فکری برای تولید ایده‌های جدید)؛

۱۲. نظرخواهی و مشاوره و ... [۱۸]

این روش‌ها ذیل سه روش کلی آینده‌پژوهی قابل جمع است:

الف. روش‌های هنجاری و روش‌های اکتشافی؛

ب. روش‌های کمی و روش‌های کیفی؛

ج. روش‌های مبتنی بر فرض و روش‌های مبتنی بر نظر.

نقد و بررسی این روش‌ها مجال فراختری می‌طلبد که از گستره این مقاله خارج است.

دو. مهدویت‌پژوهی

مهدویت‌پژوهی، کاوش علمی و نظام‌مند در یکی از آموزه‌های حیاتی و بنیادین اسلام و دستیابی به نگرش جامع و کامل آن درباره هستی و فرجام حیات بشری و شناخت برنامه و راهبرد اساسی دین برای زندگی مطلوب، معقول و انسانی است. مهدویت‌پژوهی، رویکرد نوین پژوهشی و نظریه‌پردازی دینی در عرصه نجات‌گرایی، حق‌خواهی، حقیقت‌گرایی، چشم‌به‌راهی پویا، حجت‌شناسی، انقلاب‌شناسی، اصلاح‌گرایی، جهان‌گرایی و ... است. مهدویت‌پژوهی، شناخت طرح کلان الهی برای آینده بشریت و چگونگی قرار گرفتن در مدار مشیت او برای رسیدن به جامعه آرمانی است.

«آموزه مهدویت» اندیشه‌ای معطوف به آینده است که براساس برنامه الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت‌ناپذیر و وعده داده شده است. از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا می‌شود امر قطعی الهی تغییر کند؟ فرمود: آری. گفته شد: می‌ترسیم درباره ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین شود! فرمود: خیر در ظهور قائم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود؛ سپس آیه <ان الله لا یخلف المیعاد> را قرائت کرد. [۱۹]

این قطعیت آینده و حتمیت ظهور، سامان بخش اندیشه‌ای شده است که کنکاش درباره آن (مهدویت‌پژوهی)، ما را به ساحل امیدواری، رهایی و رستگاری رهنمون می‌شود و معرفت‌افزای شیفتگان حقیقت است. شناخت اندیشه مهدویت، تنها بخشی از معارف بی‌کران درباره منجی موعود است که از سوی پیامبر رحمت و عترت پاک او در اختیار ما گذاشته شده است:

«مهدی این امت، از فرزندان او (حسین) است... دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از فرزندان حسین، آن را که پر از ظلم و ستم شده، آکنده از عدل و داد کند.» [۲۰]

شناخت آینده از این منظر، «اندیشه‌پژوهی» است؛ اما می‌توان فراتر از این هم حرکت کرد و آن را از منظر «آینده‌پژوهی» (فهم روندها، رویدادها و تصویر وضعیت‌ها و اقدام‌ها) تبیین کرد و علم جدیدی تحت عنوان «آینده‌پژوهی مهدوی» شکل داد. آینده‌پژوهی مهدوی عبارت است از دانش شناخت نظام‌مند آینده با رویکرد دینی و درباره موضوعات و پدیده‌های مختلف که امکان فهم درست مواجهه آگاهانه و مدبرانه آن‌ها در حد مطلوب و مؤثر فراهم سازد و موجب حرکت جامعه در سطوح می‌شود (حرکت به سمت جامعه آرمانی و برنامه‌ریزی مناسب در راستای چشم‌انداز ترسیم شده). در این راستا باید بدانیم که «آموزه مهدویت»، در چند سطح و چشم‌انداز، قابل طرح و تحلیل است:

۱-۲ سطح زیربنایی (مقدماتی و مبنایی)

در این سطح، گزاره‌هایی چون: باورداشت منجی‌گرایی، جایگاه امام در هستی، شناخت اصولی موعود الهی، بایستگی انتظار، شناخت وظایف فردی و اخلاقی منتظر، باور به ارجمندی انگاره‌هایی چون عدالت، معنویت، عقلانیت و به عنوان مؤلفه‌های مقدماتی و بنیادین «آموزه مهدویت» مورد نظر بوده و اساس و زیرساخت آن را تشکیل می‌دهند. اصل این اعتقاد هر چند معطوف به آینده است؛ ولی بیشتر ناظر به وظیفه فعلی افراد و تقویت بنیان‌های فکری و معرفتی آنان است.

۲-۲ سطح میانی و مؤثر

این سطح، راهبردی و استراتژیک بوده و خط‌مشی، برنامه‌ها و رویکردهای عملی باورمندان به منجی موعود و منتظران ظهور او را سامان می‌بخشد. در این سطح گزاره‌هایی چون آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور، تشکیل جامعه مهدوی و شناخت بایسته‌های سیاسی - اجتماعی منتظران، علایم آخرالزمان و نشانه‌های ظهور، نقش کلیدی صالحان و حق‌گرایان و انتظار پویا مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این سطح مسؤلیت‌های منتظران و کنش جمعی برای رسیدن به جامعه آرمانی و جایگاه اندیشه مهدویت در برنامه‌های راهبردی، الگوبرداری از جامعه آرمانی و ... مطرح است و می‌توان در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی و فراملی از آن بهره گرفت.

۳-۲ سطح کلان و فراگیر

این سطح، کانون محوری و نقطه عطف منجی‌گرایی بوده و تحقق جامعه مطلوب و آرمانی را شامل می‌شود. در این سطح موضوعات و انگاره‌های مهم و کلان آموزه مهدویت؛ چون: ظهور، قیام و انقلاب جهانی، پیروزی انقلاب، حاکمیت جهانی، تشکیل حکومت جهانی و ... مطرح است. اراده و خواست الهی، جایگاه ویژه امام زمان در اصلاح و مدیریت جهان، حضور صالحان و رجال الهی، زیبایی‌های عصر ظهور و ... در این بخش، تحلیل و ارزیابی می‌شود.

۴-۲ سطح عالی و نهایی

در این سطح بنیادین و غایت‌گرایانه، موضوعات مهمی چون فرجام تاریخ، تحقق غایت‌مندی هستی و وصول به هدف نهایی عالی آفرینش و نظام امامت و مدیریت تکوینی بر جهان، اراده قاهر الهی در اصلاح جهان و ... مطرح است. در این سطح است که «حق»، ظهور و تجلی کاملی می‌یابد و «سرّ الهی» آشکار می‌گردد و عدالت، شریعت، معنویت و ... پابرجا می‌شود؛ چنان‌که امین وحی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

«این امر (مهدویت)، از امور الهی و سّری از اسرار خداوند است که علّت و سبب آن بر مردم پوشیده است. پس، از شك کردن در آن، دوری کن که کفر به حساب می‌آید.» [۲۱]

از امیر بیان حضرت علی علیه السلام نیز روایت شده است:

...» او قیام‌کننده برای حق، ظاهرکننده دین و گسترش‌دهنده عدل است. سوگند به کسی که محمد را برای نبوت برگزید، خداوند مهدی را بر تمام مخلوقاتش برگزیده است.» [۲۲]

به نظر می‌رسد، آینده‌پژوهی به معنای اخص (تلاش نظام‌مند برای نگاه به آینده دانش، سیاست، اقتصاد، فن‌آوری، اجتماع و ...) می‌تواند ناظر به سطح دوم آموزه مهدویت (سطح میانی و راهبردی آن) باشد و آینده‌پژوهی به معنای اعم (آینده‌پژوهی مفهومی و فلسفی)، بیشتر مربوط به سطح نهایی و عالی آن (سطح چهارم). آینده‌پژوهی می‌تواند مباحث و موضوعات راهبردی و استراتژیک (سطح دوم) را تحت پوشش قرار دهد و با ارزیابی تغییرات و تحولات فرا رو، مسئولیت‌ها و برنامه‌های منتظران را برای رسیدن به جامعه موعود (در سطح سوم) تبیین و روشن سازد همچنین تغییرات و تحولات و تحولات جهانی را در راستای تشکیل حکومت جهانی، مورد سنج و ارزیابی قرار دهد. در واقع آینده‌پژوهی به ما کمک می‌کند تا از سطح مقدماتی و زیربنایی فراتر رفته و وارد سطح مؤثر و استراتژیک شویم و نقش خود را در زمینه‌سازی انقلاب جهانی مهدوی (براساس رصد کردن تحولات محتمل و ممکن جهانی) بهتر ایفا کنیم و در عین حال تصویری روشن و حقیقی، از جامعه مطلوب و مرجح ارائه دهیم.

برای بررسی و تحلیل این نظریه، نیاز به شکل‌گیری «آینده‌پژوهی مهدوی» به شدت احساس می‌شود. در واقع می‌توان بعضی از مباحث آموزه مهدویت را، در قالب «آینده‌پژوهی» تبیین کرده؛ همان‌گونه که می‌توان آینده‌پژوهی را در چهارچوب و قالب «مهدویت‌پژوهی» قرار داد و دانش جدیدی - با روش‌های خاص یا مشترک - به وجود آورد؛ یعنی، آینده‌پژوهی مهدوی را شکل داد.

سه. آینده‌پژوهی مهدوی

«آینده»، پایدارترین آموزه‌ای است که مورد توجه ادیان الهی - به خصوص اسلام - است. پاره‌ای از تعالیم و آموزه‌های آن در رابطه با آینده و متوجه ساختن انسان‌ها به فرجام جهان است. این فرجام باوری هم می‌تواند شامل معاد باوری باشد و هم پایان باوری تاریخی و بر این اساس هم پیش‌گویی غیبی شکل می‌گیرد و هم سنت‌شناسی تاریخی. بهره‌گیری از آیات و روایات و تأمل و اندیشه در حوادث و رویدادها، می‌تواند نگاه ما را به آینده، سامان درستی بخشد و یک نوع آینده‌پژوهی متعالی، مطمئن، بالنده و مترقی را شکل دهد. این رویکرد علمی - پژوهشی با محوریت «آموزه مهدویت» شکل گرفته و می‌تواند تشکیل‌دهنده دانش جدیدی با نام «آینده‌پژوهی مهدوی» باشد. مهم‌ترین رکن این رویکرد، «انتظار ظهور منجی موعود» است که تأثیر به‌سزایی در آینده‌شناسی، فرجام باوری، هدف‌مندی، امیدگرایی و ... دارد.

انتظار؛ یعنی، چشم به راهی، حرکت رو به جلو، نظر و تأمل داشتن به آینده، قرار گرفتن در جهت و مسیر درست. انتظار در لغت به معنای «درنگ در امور، نگرهبانی، چشم به راه بودن و امید داشتن به آینده است.» [۲۳] این کلمه از «نظر» به معنای نگاه کردن گرفته شده و گاهی مراد از آن تدبیر، تأمل و دقت است. [۲۴]

براساس نوشته تفسیر نمونه، «نظر» در اصل به معنای گردش فکر و یا اندیشه است، برای مشاهده یا ادراک چیزی؛ چنان که گفته می‌شود: «نظرت فلم تنظر»؛ یعنی نگاه کردی، ولی در آن تأمل نکردی و به فکر و اندیشه نپرداختی که معنای تأمل و جست‌وجوگری در آن افتاده و نیز به معنای معرفت حاصل از جست‌وجوگری آمده است. راغب می‌گوید: نظر و انتظار، هر دو به یک معنا است. [۲۵] گاهی نیز این کلمه به معنای چاره اندیشیدن، منتظر بودن برای دانستن چیزی، نظاره کردن و ... آمده است. [۲۶]

انتظار در اصطلاح، به معنای «چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است.» برخی گفته‌اند: «انتظار کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است.» [۲۷]

انتظار در چشم‌انداز آینده‌پژوهی، از حالت چشم به راهی و امید بستن صرف به آینده، فراتر می‌رود و تبدیل به آینده‌نگری؛ یعنی تأمل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع و رویدادها می‌شود. مهم‌ترین رکن این انتظار، آینده‌نگری، مسئولیت‌شناسی، الگوبرداری و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان از آن با عنوان «علم‌الانتظار»، «انتظار پویا» و «انتظار مثبت و سازنده» یاد کرد. این انتظار، تأثیر به‌سزایی در سامان بخشی به برنامه‌ها و رفتارهای فردی، جمعی و فرا ملی دارد و در تعیین راهبردها و استراتژی‌ها براساس آینده موعود و وضعیت‌های ممکن و محتمل و مرجح، نقش ایفا می‌کند. در دوره غیبت کبری و عصر پیشاظهار، شناخت عقاید و افکار، موضع‌گیری‌ها و اعمال، حوادث و تحولات و ... اهمیتی ویژه می‌یابد و بصیرت و فهم درست را به وجود آورد. لازمه این کار، انتظار مستمر و پیوسته و تسلط بر اوضاع و پدیده‌ها و پویایی و حرکت است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«در هر صبح و شام، منتظر فرج باش (و انتظر الفرج صباحاً و مساءً)». [۲۸]

از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است:

«زمانی که ببینی فقر و نیاز بسیار شود و مردم همدیگر را انکار کنند و ... پس در این زمان، منتظر امر الهی (ظهور) باشید». [۲۹]

از پیامبر اکرم نیز روایت شده است:

«زمانی که مسند و کرسی برای ناهلان گذاشته شد، پس منتظر برپا شدن ساعت باشید». [۳۰]

این روایات به تصریح یا تلویح، نظر منتظران را به این نکته جلب می‌کند که برای درک و شناخت امر الهی (ظهور)، نیاز به شناخت تحولات و تغییرات است و در واقع شخص منتظر در کنار انتظار ظهور منجی موعود، پیوسته رویدادها و حوادث پیرامون آن را نیز مورد رصد، شناسایی و ارزیابی قرار می‌دهد و براساس آن، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌کند. برای تحقق زمینه‌ها و شرایط قیام جهانی می‌کوشد و آمادگی هر چه بیشتری برای آن پیدا می‌کند.

آینده‌پژوهی مهدوی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مختلفی دارد که هر کدام از آن‌ها ظرفیت و بستری برای فعالیت‌های آینده‌پژوهانه است و نیاز است که فعالیت‌های کلان پژوهشی برای شناخت واقعی و کاربردی کردن آن‌ها صورت گیرد. بر این اساس آینده‌پژوهی دارای شاخصه‌ها و محورهای زیر است:

۱-۳ نشانه‌شناسی (علم‌العلایم)

علایم ظهور و قیام، نشانه‌ها، حوادث و رخدادهایی هستند که براساس پیش‌گویی‌های معصومین، پیش از ظهور یا در آستانه آن یا هم‌زمان و یا پس از ظهور منجی موعود پدید می‌آیند. تحقق و پدیداری هر یک از این علایم، نوید و بشارتی از ظهور آن حضرت و نزدیک‌تر شدن قیام جهانی ایشان است. علایم آخرالزمان (آخرالزمان‌شناسی) نیز در این گستره قابل بحث و تحلیل است.

این نشانه‌ها، به چند دسته تقسیم می‌شوند و در فواصل مختلف زمانی (دور و نزدیک و یا حین قیام) روی می‌دهند. بعضی از آنها حتمی و بعضی دیگر غیرحتمی بوده و شامل حوادث طبیعی، اجتماعی و سیاسی، معجزات و ... می‌شوند. شناخت و رصد کردن این نشانه‌ها، به جهت آشنا شدن با شرایط ویژه قبل از قیام جهانی و نیز شناسایی مدعیان دروغین مهدویت و ... بایسته است، به جهت وسعت و سرعت تغییرات و تحولات جهانی و گسترده‌گی پدیده‌های نوآمد، نیاز به آینده‌پژوهی در این ساحت به جد احساس می‌شود و بیان گسترده نشانه‌های ظهور نیز جهت توجه دادن مردم به آنها و حساس کردن آنان نسبت به رویدادهای آینده است؛ به خصوص آنکه پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به صورت گسترده تحت عنوان علایم آخرالزمان نیز مطرح شده و شامل تغییرات گسترده و جهانی است.

در روایتی نقل شده است: حذیفه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا علایمی هست که دالّ بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد (فَهَلْ مِنْ عِلْمَةٍ يَسْتَدَلُّ بِهَا عَلَي ذَلِكَ)؟ آن حضرت نیز ضمن مثبت دانستن پاسخ، به شمارش نشانه‌های آخرالزمان پرداخت. [۳۱]

جالب این است که زمان پیدایی نشانه‌های ظهور، حساب و کتاب‌های ستاره‌شناسان (و آینده‌پژوهان عرفی و تجربی) فرو می‌ریزد و تنها به کمک «آینده‌پژوهی قدسی» می‌توان به حقایق امور دست یافت. حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«پیشاپیش ظهور مهدی ما دو نشانه بزرگ دیده می‌شود: خسوف ماه در پنجم آن و کسوف خورشید در پانزدهم ماه ... بنابراین (در این زمان) حساب‌های منجمان و آینده‌بینان فرو خواهد ریخت (و عنده ذلك يسقط حساب المنجمين)». [۳۲]

به هر حال عصر قبل از ظهور منجی، از یک سو دوره پسرفت‌ها و انحطاط و از سوی دیگر دوره پیشرفت‌ها و رشد و توسعه است. در زمینه وقوع یا عدم وقوع روایات پیش‌گویی نیز، می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. پیش‌گویی‌هایی که در گذشته واقع شده است؛ مانند تبدیل خلافت به سلطنت، پیدایش حکومت بنی‌امیه، انقراض بنی‌عباس، جنگ‌های صلیبی و....

۲. پیش‌گویی‌هایی که امروزه شاهد وقوع آن هستیم؛ مانند اخبار مربوط به فساد و فحشا، انحرافات و یا پیشرفت‌های علمی، ارتباطاتی و اطلاعاتی و....

۳. پیش‌گویی‌هایی که هنوز محقق نشده است؛ مانند: خروج سفیانی، قیام بمانی، مسأله دجال، صیحة آسمانی و.... [۳۳]

آینده‌پژوهی مهدوی ضمن رصد کردن تحولات جهانی، می‌تواند با ارزیابی و تحلیل نشانه‌های ظهور، اذهان و افکار بشری را به آن هنگامه موعود، متوجه سازد و شواهدی نیز در حقانیت آن ارائه دهد. رویدادهایی چون فراوان شدن آب‌ها و سیلاب از یک سو و خشک شدن برخی از دریاچه‌ها، وقوع فتنه‌ها، آشوب جهانی، ناامنی فراوان، درگیری و کشتار در عراق و بغداد، قحطی و گرسنگی، آمدن ۸۰ پرچم به جنگ اعراب، کشته شدن برخی از شاهان، وقوع قیام‌های حق‌طلبانه، شیوع برخی از بیماری‌های مهلک، وقوع برخی از تحولات در آسمان و ... زمینه‌های بسیار مناسبی برای مطالعه درباره آینده کوتاه مدت و میان مدت است.

۲-۳ زمینه‌شناسی (علم الشرايط)

شرایط به اموری گفته می‌شود که تحقق ظهور وابسته به وجود آنها است و تا آنها محقق نشوند، ظهوری در کار نخواهد بود. به عبارت روشن‌تر، شرایط ظهور زمینه‌هایی است که امکان تحقق ظهور منجی موعود را فراهم می‌آورد و آن را امری منطقی و لازم می‌نمایاند. شرایط متعددی برای ظهور و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید فراهم شود؛ زیرا ظهور نیز مانند هر پدیده و انقلاب دیگری، به زمینه مساعد برای بروز و نتیجه دادن احتیاج دارد و ممکن است بدون آن شرایط و بسترها، ظهور اتفاق نیفتد. از جمله این شرایط می‌توان به وجود رهبر جهانی، برنامه و استراتژی حرکت و حکومت، یاوران کارآمد و پذیرش جهانی و آمادگی مردمی اشاره کرد. بر این اساس یکی از بایسته‌های انتظار پویا، زمینه‌سازی و مقدمه چینی و آمادگی جمعی و جهانی (و یا آمادگی جبهه حق) برای ظهور است.

هر نهضت و انقلابی در صورتی امکان پیروزی و نتیجه‌بخشی را دارد که قبلاً در ابعاد مختلف، برای آن زمینه‌سازی لازم شده و شرایط برای پیروزی آن فراهم گردد. همچنین افکار عمومی برای پشتیبانی و حمایت از آن آماده شوند تا آن نهضت بتواند به پیروزی برسد. این شرایط می‌تواند ذهنی و عینی باشد؛ به این صورت که نارضایتی عمیق و گسترده در سطح جهانی از حاکمیت دولت‌های ظالمانه و جهانی‌سازی ظلم شکل بگیرد و از طرفی تقاضای جهانی برای برقراری عدالت

جهاني گردد. همچنين بايد آمادگي‌هاي علمي، نظامي، سياسي و... صورت گيرد که نياز به برنامه‌ريزي و سياست‌گذاري‌هاي کلان دارد.

آينده‌پژوهي در اين راستا مي‌تواند ضمن شناسايي وضعيت‌ها و موقعيت‌هاي پيش‌رو، اطلاعات و پيش‌بيني‌هاي لازم را براي اتخاذ تصميمات راهبردي در اختيار زمينه‌سازان ظهور و دولت زمينه‌ساز قرار دهد. براساس روايات، جهان آکنده از جور و بيداد و فساد خواهد بود؛ لکن در گوشه و کنار جهان - به خصوص در مناطق اسلامي و شيعي - مردمي خواهند بود که معتقد به حق و بصير در امر دين و چشم به راه منجي موعودند و براي پيوستن به امام و کمک و ياري ايشان آماده مي‌باشند. اين منتظران آماده، تا حدودي سازمان يافته بوده و داراي تشکيلات، برنامه و امکانات هستند؛ چنان که در روايتي آمده است:

«مردمي از شرق قيام مي‌کنند و زمينه حکومت امام مهدي را فراهم مي‌سازند (يُخْرِجُ أَنَسُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ)». [۳۴]

از امام علي عليه السلام نيز نقل شده است:

«پرچمي از خراسان بيرون مي‌آيد؛ (حاملان اين پرچم) اصحاب سفيني را شکست مي‌دهند تا اينکه به بيت المقدس مي‌رسند و زمينه حکومت حضرت مهدي را فراهم مي‌سازند (توطيء للمهدي سلطاناه)». [۳۵]

بنابراين تحقق يافتن اين حکومت جهاني، چندان هم بدون مقدمه و ابتدا به ساکن نيست؛ بلکه با مقدمه‌چيني و زمينه‌سازي قيام‌کنندگان مشرق و حرکت پرچم‌هاي خراسان و ايرانيان و... است. موفقيت منتظران بصير، مؤمن، متحرک و منتظر، زمينه‌اي مي‌شود براي گرد هم آمدن و به هم پيوستن صفوف انقلابيون که سرانجام به دوران دعوت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌رسند، به نداي او پاسخ مي‌گويند و هسته اصلي مقاومت مؤمنان را تشکيل مي‌دهند. [۳۶]

زمينه‌سازي براي قيام امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف داراي دو جنبه است:

۱. ارشد ايماني، جهادي و آگاهي سياسي (فرهنگسازي جامع و فراگير)؛

۲. ايجاد تشکيلات سياسي، نظامي، اقتصادي، اداري و اطلاعاتي. [۳۷]

اين تشکيلات، بدون وجود نظام سياسي و دولت در جهان محقق نخواهد شد و اين همان دولت زمينه‌ساز است که در روايات مژده برپايي آن داده شده است. شکل‌گيري چنين نيرويي در جهان، ظهور امام را نزديک مي‌کند و بدون اين عوامل طبيعي، شايد ظهور امام فراهم نيايد. کسب چنين نيرويي نيازمند عمل و حرکت در متن زندگي و جريان‌هاي جهاني است و بررسي وضعيت گروه‌ها، مکاتب و افکار و تقويت جبهه حق و خداخواه ضروري مي‌نمايد.

آينده‌پژوهي مهدي، يعني حضور فعال و پويا در جريان‌هاي جهاني و شناسايي حوادث نوظهور و ارائه برنامه‌هاي لازم در جهت ايجاد شرايط و زمينه‌هاي ظهور. از اميرمؤمنان علي عليه السلام نقل شده است:

«... تا زماني که انسان شقي، شقاوتش را و انسان نيکوکار، نيکويي‌اش را آشکار نکند، آنچه را که چشم انتظارش هستند، به وقوع نخواهد پيوست». [۳۸]

۳-۳ آينده انديشي پابرجا (توقع)

«توقع»، انتظار حصول چيزي را داشتن و منتظر وقوع امري بودن است. «وقوع» و «وقعه»، به معاني ثبوت، ظهور، آمدن و پابرجا شدن آمده است. [۳۹] «متوقع» به کسي مي‌گويند که پيوسته منتظر حصول چيزي باشد و منتظران ظهور

منجی را متوقع می‌گویند؛ چون به طور پیوسته و مستمر در انتظار و چشم به راه هستند. نه یأس و دلمردگی آنان را فرا می‌گیرد و نه ضعف و فتور و سستی.

منتظران واقعی امام زمان، در زیارت آن حضرت خود را منتظر و متوقع ظهور معرفی می‌کنند:

«اگر روزگاران طولانی و عمرها بلند شود، جز این نیست که یقینم درباره تو افزون می‌شود، عشق و دوستی‌ام برای تو زیاد می‌گردد، توکل و اعتمادم به تو افزایش می‌یابد و برای ظهور تو متوقع و آماده و پیوسته مسؤلیت‌پذیر خواهم بود (و لظهورك الا متوقِعاً و منتظراً...)». [۴۰]

توقع و چشم به راهی پیوسته و پابرجا، بدین معنا است که انسان دائماً وقوع حادثه و رویداد مهمی را در آینده دنبال و جست‌وجو کند. توقع و رصد کردن تحولات اساسی و بنیادین در آینده، شامل دگرگونی‌ها و پدیدارهای نوآمد نیز می‌شود. یک آینده پژوه نیز به طور مستمر و پابرجا، در جست‌وجو و رصد کردن تغییرات و تحولات - به خصوص رویدادهای جدید و غیرمنتظره - است و هر پدیده و تحولی برای او جالب توجه و تأمل برانگیز می‌باشد.

در آینده‌پژوهی مهدوی، آینده‌اندیشی پابرجا و فعال و توجه مستمر به آینده - به خصوص امر فرج و ظهور امام زمان - مورد تأکید قرار گرفته است. از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل شده است:

«هر گاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه یافت، متوقع (فتوقعوا) فرج آل محمد صل الله علیه و آله باشید...». [۴۱]

محمد بن مسلم از حضرت باقرالعلوم علیه السلام نقل می‌کند:

منتظر صدایی که ناگهان از ناحیه دمشق می‌رسد، باشید (توقعوا الصوت). البته در این (صوت) برای شما فرج عظیمی است. [۴۲]

جالب‌تر اینکه در روایات نه تنها توصیه به انتظار وقوع ظهور شده؛ بلکه در کنار آن سفارش به انتظار مداوم و پابرجای رویدادها و حوادث فراوانی شده است؛ چنان که از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«تا زمانی که شما در مقابل دیگران از مرده‌ها هم پست‌تر نشوید، امر خداوند محقق نمی‌شود. پس متوقع این باشید که در این هنگام کارهایتان بر وفق مرادتان نخواهد بود و رشته خویشاوندی پاره خواهد شد و کودکانتان به کار گرفته خواهند شد... (الا فتوقعوا من اِدبارِ اُمورِكُم و انقطاعِ وصلکم و استعمالِ صغارکم...)». [۴۳]

امام باقر علیه السلام یکی از وظایف اصلی دوران غیبت را - که آکنده از سختی‌ها و دشواری‌ها است - آینده اندیشی مستمر و پابرجا می‌داند:

«... در این زمان، صبح و شب فرج را پی‌جویی کنید (... فعند ذلك تَفَقُّوا الفَرَجَ صَبَاحاً و مساءً)». [۴۴]

۴-۳ دیدبانی مؤثر (ترقب)

«ترقب»، به معنای مراقبت و محافظت دائمی و کنترل و نظارت است. این کلمه از «رقبه و رقوب» به معنای حفظ و انتظار است. در صحاح و قاموس، رقیب به معنای حافظ و منتظر آمده است. راغب آن را به معنای احتراز و انتظار گرفته است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: <فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ> [۴۵]؛ یعنی، موسی صبح کرد، در حالی که ترسان بود و انتظارش را می‌کشید. [۴۶]

به نظر برخی «رقیب و ارتقب»، در اصل از «رقیه» (به معنای «گردن») گرفته شده است و از آنجا که افرادی که منتظر چیزی هستند، پیوسته گردن می‌کشند، به معنای انتظار و مراقبت از چیزی آمده است. رقیب نیز در اصل به کسی می‌گویند که از محل مرتفعی، به اوضاع نظارت می‌کند و سپس به معنای حافظ و نگهبان چیزی آمده است؛ زیرا نگهبانی از لوازم نظارت است. [۴۷]

دیدبانی به معنای پایش مستمر تغییرات جهانی در زمینه‌های مختلف، توسط یک اندیشکده یا یک گروه علاقه‌مند به آینده‌پژوهی است که نوعاً بر پایه بررسی نظام‌مند محتوای مطالب، نوشته‌ها و گفته‌ها انجام می‌شود. «ترقب» (دیدبانی مؤثر) نیز از اموری است که منتظران منجی موعود خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند و در پس انتظار مستمر، موشکافانه و آگاهانه حوادث و رویدادها را رصد می‌کنند و مراقب اوضاع و احوال روزگار خود و آینده هستند و در واقع نسبت به رویدادها و اوضاع بی‌تفاوت و ساکت نیستند؛ چنان‌که در زیارت حضرت صاحب‌الامر می‌گویند:

«اگر روزگاران طولانی و عمرها بلند شود، جز این نیست که یقینم درباره تو افزون می‌شود و عشق و دوستی‌ام برای تو زیاد می‌گردد... و برای ظهور تو متوقع و آماده خواهم بود و برای جهاد در رکاب پیشگاه تو، چشم به راهی و دیدبانی خواهم کرد (و جهادی بین یدیک مترقباً)». [۴۸]

«مترقب» کسی است که دائماً مراقب اوضاع بوده و از افتادن در دام‌ها و حوادث ناشناخته محافظت می‌کند. از امام صادق علیه السلام درباره نشانه‌ها و حوادث آخرالزمان نقل شده است:

«می‌بینی که گناه کردن علنی شده است... می‌بینی که عاق والدین آشکار می‌شود... نشانه‌های حق کهنه می‌گردد. پس از این مسائل بر حذر باش و از خداوند نجات بخواه و بدان که مردم در خشم و غضب الهی هستند و خداوند بنا به مصلحتی به آنها مهلت داده است. پس مراقب باش (فَكُنْ مَتَرَقِبًا) و تلاش کن که خداوند تو را در میان آنها نبیند». [۴۹]

بر این اساس انتظار ظهور منجی موعود، با دیدبانی مؤثر و فعالانه آینده پیوند دارد و شناخت اوضاع و پدیده‌ها برای در امان ماندن از پیامدهای سوء آنها، ضروری است؛ به خصوص که اوضاع جهان در عصر قبل از ظهور نایب‌الامان و آشفته خواهد بود. حضرت علی علیه السلام در پاسخ به سؤال مالک اشتر (درباره زمان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید:

«هنگامی که نابود شونده، نابود شود و حقایق مخفی گردد و ملحق شونده، ملحق گردد (مردمان به حکومت‌ها ملحق شوند) و پشت‌ها سنگین شود و کارها و اشیاء نزدیک به هم گردد... پس در زمانی که این علایم واقع شد، مردمانی خروج می‌کنند که گناه و جنایاتی مرتکب می‌شوند و «جزائر» را مالک می‌گردند... و عراق را فتح می‌کنند و با ایجاد (ترس) و خونریزی، از شکاف باز می‌دارند؛ پس در آن هنگام مراقب باشید و (چشم و حواستان را متوجه امام زمان کنید که) به زودی ظهور خواهد کرد (ترقبوا خروج صاحب الزمان)». [۵۰]

در واقع این توجه به آینده، بیانگر وظیفه و مسؤلیت منتظران نیز می‌باشد که در آن زمان مراقب اوضاع بوده و برخلاف جهت رویدادها قرار گیرند و مواظب همه چیز باشند و در عین حال در این دوران مترصد ظهور منجی موعود هم باشند.

در روایت دیگری آمده است:

«هنگامی که فاسقان بر مردم حکومت می‌کنند و انسان‌های رذل رهبر آنها می‌شوند، مردم از ترس به آنها احترام می‌گذارند! غنا و موسیقی آشکار می‌شود. هر امتی، امت قبل از خود را لعن می‌کند. در این زمان منتظر باد سرخ، زلزله، مسخ، خسف و نشانه‌های دیگر خداوند باشید (فارتقبوا عند ذلك ریحاً حمراء و زلزلة و مسخاً و قذفاً و آیات تتابع) که یکی پس از دیگری، همچون حلقه‌های گردن‌بند، بر شما نازل می‌شوند». [۵۱]

همگان خود را برای سختی‌ها و ناملایمات و مجاهدت‌ها آماده سازند. این آمادگی باید هوشمندانه و با شناخت صحیح جریان‌ها و حوادث جهانی همراه باشد.

بشیر می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند: وقتی مهدی قیام کرد، طبعاً اوضاع برایش رو به راه می‌شود و به اندازه شاخ حجامتی هم خونریزی نمی‌شود؟! حضرت فرمود: اندازهٔ يك حجامت هم خونریزی نمی‌شود؟! حضرت فرمود:

«قسم به کسی که جانم در دست او است! اگر چنین موضوعی امکان داشت، برای رسول خدا انجام می‌گرفت. در صورتی که در میان جنگ دندان‌ش خونین شد و پیشانی مبارکش شکست. به خدا قسم! نهضت صاحب‌الامر هم انجام نمی‌گیرد، مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خون‌ها ریخته شود (کلاً والذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و انتم العرق والعلق)؛ پس به پیشانی مبارکش دست کشید.» [۵۷]

۶-۳ امتحان‌شناسی (علم‌الابتلا)

ابتلا و امتحان؛ یعنی، آزمون الهی که به طرق مختلف - به خصوص به وسیله کاستی‌ها و سختی‌ها - دربارهٔ انسان‌ها جاری می‌شود. آنان در طول تاریخ در معرض امتحانات و آزمون‌های مختلفی بوده‌اند که عموماً بدون اطلاع و شناخت قبلی بوده است. این مسأله در آخرالزمان و عصر نزدیک به ظهور، گسترده‌تر و شدیدتر خواهد بود و به همین جهت بسیاری از موارد ابتلای انسان‌ها در روایات ذکر شده است. در واقع بسیاری از هشدارها و پیش‌گویی‌های دینی، برای متوجه ساختن انسان‌ها و آماده کردن آنان برای رویارویی با ابتلاهای آخرالزمانی است.

«آینده‌پژوهی مهدوی» در رابطه با شناخت امتحانات و ابتلاهای پیش رو و آگاهانیدن انسان‌ها نسبت به وقوع آنها، وظیفه‌ای دشوار بر عهده دارد و شناخت آزمون‌ها در راستای دوراندیشی و حقیقت‌گرایی است. چنین رویکردی در «آینده‌پژوهی عرفی و جزئی‌نگر» وجود ندارد و مسائل تنها از زاویه تجربی و سود و زیان مادی بررسی می‌گردد. در حالی که در آینده‌پژوهی مهدوی، همه ابعاد و زوایای آینده، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد و حوادث و رویدادها به عنوان يك مجموعه و منظومه به هم پیوسته در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد انسان مؤمن، باید همیشه خود را آماده و مجهز سازد و با آمادگی قلبی و ایمانی استوار، با امتحانات گوناگون و پیچیده آینده رو به رو گردد و سربلند از آنها خارج شود. به همین جهت عصر غیبت کبری، دوران بسیار سخت و طاقت فرسای توصیف شده است؛ چنان‌که امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف چاره‌ای جز غیبت ندارد؛ به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش برمی‌گردند. همانا غیبت امام امتحانی است از طرف خداوند که بندگان را به وسیلهٔ آن آزمایش می‌کند.» [۵۸]

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«پیش از قیام قائم مردم دست به گریبان يك امتحان بزرگ خواهند بود. عرض کردم: آن امتحان چیست؟ حضرت این آیه را قرائت فرمود: <و لنبلونکم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين> [۵۹]؛ یعنی، از ترس و گرسنگی و کم شدن مال و ثروت و از رفتن جان‌ها و میوه‌ها شما را آزمایش می‌کنیم و مژده بده به صبرکنندگان (به اینکه مهدی ما قیام می‌کند.)»

جبرئیل علیه السلام نیز دربارهٔ امور غیبی، به رسول گرامی اسلام خبر داد: [۶۰]

«امت شما بعد از رحلتان مبتلا به امتحان سنگین می‌شود؛ آن هم خیلی زود.»

سپس فرشتهٔ وحی شروع به شمارش ابتلاهای امت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کند... آن گاه وی راه سلامت ماندن از خطرات را بیان می‌کند:

«كفت نفس و بردباري در مقابل تضییع حقوق و كنارگیری از مراکز فتنه». [۶۱]

خود رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«فتنه‌ها و حوادث سوئی پیش خواهد آمد که آدم خانه‌نشین در آن موقع بهتر از کسی است که برپا خیزد ... هرگاه کسی پناهگاه و جای امنی پیدا کند، البته آنجا پناه ببرد (فمن وجد فیها ملجأ او معاداً فلیغذ به)». [۶۲]

۷-۳ توان‌انگیزی جمعی (آمدگی آینده‌نگر)

در روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید ویژه‌ای بر «تهیا» شده است. «تهیا» به معنای آمادگی، مهیا شدن، فراهم کردن و... آمده است. «تهیات للشیء»؛ یعنی، برای آن کار آماده شدم و ساز و برگ آن را فراهم ساختم. کلماتی که در روایات و ادعیه (مانند «اللهم من تهیا و تعباً و أعدّ و استعد») آمده، به یک معنا هستند.

انسان برای انجام هر کاری و اقدامی، به آمادگی قبلی و فراهم کردن ساز و برگ، نیاز دارد؛ هرچند اندازه آن امر مهم‌تر و بزرگ‌تر باشد، نیاز به آمادگی پیشین، نیز بیشتر است. آمادگی قبلی، با دانش و اطلاعات پیشین، بهتر صورت می‌گیرد و هر اندازه انسان نسبت به تحقق آن و ابعاد و زوایای مختلف آن آگاه‌تر باشد، می‌تواند اقدامات مناسب‌تری انجام دهد و آماده‌تر باشد.

یکی از مباحث مهم در «انتظار پویا»، یادکرد مداوم و پیوسته ظهور امام زمان و آمادگی کامل و آگاهانه نسبت به ظهور او و مهیا شدن برای یاری قیام جهانی است. این آمادگی می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد (آمادگی اطلاعاتی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و...). هر منتظری براساس شرایط زمانی و مکانی، باید آمادگی‌های بایسته را در خود فراهم سازد. این آمادگی فراتر از انتظار و توقع و ترقب است؛ این یعنی قراردادن زندگی در مسیر ظهور و اعلان همکاری و همراهی با انقلاب جهانی. پیشوای ششم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«باید هر يك از شما برای خروج قائم آماده باشد (لیعدن احدکم)؛ هر چند با تهیه کردن تیري باشد. وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اسلحه تهیه کرده، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور او را درک نماید و از یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد». [۶۳]

«آینده‌پژوهی مهدوی»، ضمن رصد کردن پیشرفت‌های نظامی و وضعیت امنیتی سیاسی جهان و وقایع و رویدادهای ناشی از فعالیت‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی، می‌تواند آگاهی‌های لازم را به منتظران ارائه دهد و آنان را در ایجاد آمادگی‌های نظامی و سیاسی یاری بخشد و سطح آگاهی‌ها و تحلیل‌های آنها را از اوضاع جهانی بالاتر ببرد. همچنین انگیزه‌های لازم را برای بالا بردن توانایی‌های جمعی و آمادگی مستمر فراهم سازد.

یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون این آگاهی‌ها و توانایی‌ها و اطلاع‌کافی از تغییرات و تحولات جهانی، امکان‌پذیر نیست؛ در دعاها نیز می‌خوانیم:

«خداوندا! همچنان که دل مرا با یاد حجت خود «مهدی»، آباد و زنده ساختی، سلاح مرا نیز در راه یاری او آماده و آخته‌ساز». [۶۴]

بر این اساس یاد کرد مداوم نهضت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آمادگی برای یاری این انقلاب بزرگ، راهبرد اصلی جامعه منتظر به حساب می‌آید. در روایت جالبی از امام کاظم علیه السلام آمده است:

«هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد - در حالی که او منسوب به ماست - خداوند روزی‌اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند». [۶۵]

کلینی از ابو عبدالله جعفی روایتی را نقل می‌کند که توجّه به مفاد آن بایسته است:

«حضرت ابو جعفر محمد بن علی باقر علیهما السلام به من فرمود: منتهای زمان مرابطه (و آمادگی نظامی)، نزد شما چند روز است. عرض کردم: چهل روز. امام فرمود: ولی مرابطه (و آمادگی) ما مرابطه‌ای همیشگی (و پیوسته) است.» [۶۶]

علامه مجلسی در شرح این روایت می‌نویسد:

«بر شیعیان واجب است که خود را بر یاری و طاعت امام بر حق آماده سازند (ان یربطوا انفسکم علی طاعة امام الحق) و منتظر فرج باشند و برای یاری نمودنش، مهیا گردند (یتهیا لئصرته)» [۶۷]

به هر حال انتظار حقیقی ظهور، به معنای آماده‌سازی عده و غده در تمامی زمینه‌ها است. به قطع پس از ظهور، آن حضرت با جنگ رو به رو خواهد بود؛ پس کسانی توان یاری‌اش را خواهند داشت که کار آزموده این میدان باشند... در عرصه جهاد علمی، مسلح شدن به سلاح قلم و دانش و تیغ سخن و در عرصه عملی تجهیز به اسلحه رزم و آموختن شیوه‌های نوین آن (و مسائل استراتژیک جهانی)، لازمه انتظار حقیقی است. البته بخش مهم پیروزی آن حضرت، مرهون رشد فرهنگی جامعه بشری است. [۶۸]

۸-۳ برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژی انتظار)

یکی از ابعاد آینده‌پژوهی، ارائه اطلاعات و دانش‌های لازم برای برنامه‌ریزی‌های کلان و بلند مدت است. برای کشورها، سازمان‌ها و مراکز صنعتی و تجاری، داشتن اطلاعاتی لازم درباره آینده و تحولات و پیشرفت‌ها، جهت تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی‌ها و راهبردها بایسته است.

این مسأله درباره کشوری که هم چشم به آینده موعود دارد و درصدد رسیدن به آن جامعه آرمانی است، و هم می‌خواهد خود را همسان و همساز آن قرار دهد اهمیت بیشتری دارد. آینده‌پژوهی مهدوی، می‌تواند در تنظیم سندهای چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه فرهنگی و سیاسی نقش مهمی ایفا کند و محوریت «آموزه مهدویت» را در تمامی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تثبیت نماید.

بنا به نوشته یکی از پژوهشگران:

انقلاب اسلامی باید از مزیت‌های دنیای آزاد کنونی و از ابزارها و تکنولوژی ارتباطات مدرن برای تعمیق روابط فردی - فرهنگی خود با مسلمانان و تشکیل هسته‌های فکری - مذهبی، با بهره‌مندی از روح تشکلهای سنتی و دینی و استفاده از قوانین و مقررات بین‌المللی تشکلهای مردمی و سازمان‌های غیردولتی و... بهره بهینه بگیرد و با الگوسازی جدید از ترکیب این دو، جریان‌های خلاق مردمی - مذهبی و فعال اجتماعی - فرهنگی، را برای شیعیان و مسلمانان علاقمند به پیوستن به قافله آرمان شهر شیعه، راه‌اندازی کند. [۶۹]

نکته مهم در این برنامه‌ریزی‌های راهبردی، حرکت دادن جامعه به سمت جامعه آرمانی و تلاش برای برپایی حکومت جهانی مهدوی است. امام پنجم علیه السلام می‌فرماید:

«به سوی او بشتابید (فاسعوا الیه) ولو از طریق خزیدن بر روی سینه باشد. به خدا سوگند! گویی بین رکن و مقام ایستاده و با مردم بیعت می‌کند.» [۷۰]

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«... کوشش و سعی داشته و منتظر فرج باشید (فجدّوا و انتظروا)؛ گوارا باد شما را این عمل بزرگ و عبادت‌ای گروه

رستگاران!» [۷۱]

امام خمینی رحمه الله علیه با وسعت دیدی که داشتند، معتقد بودند هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان بکوشیم تا زمینه ظهور چنان که باید، فراهم شود:

«همیشه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.» [۷۲]

از ویکتور هوگو نقل شده است: «آینده از آن هیچ کس نیست؛ که آینده از آن خداست. آنچه از ما ساخته است، این است که برای آینده آماده شویم و خود را برای اجرای آنچه آینده از ما چشم دارد، مهیا سازیم.» [۷۳]

۳-۹. شبیه‌سازی (الگوبرداری)

نکته پایانی آنکه فهم آینده، به معنای به دست آوردن تصویری از وضعیت‌هایی است که در آینده تحقق پیدا می‌کنند و از آنجا که این وضعیت‌ها بستر عمل فرد هستند، بنابراین تصویر مزبور در عمل امروز نیز دخل دارد. هر عملی که مرتکب می‌شویم، در مرحله‌ای به تصویری که از آینده داریم، ربط پیدا می‌کند و از آن فراتر، بدون تصویری از آینده، اعمال ما صورت نمی‌گیرد. حال درستی فهم طبیعتاً براساس تحقق آن است و هر قدر وضعیت پیش‌بینی شده به واقعیت نزدیک‌تر باشد، فهم درست‌تری در اختیار بوده است. بنابراین برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درست‌تر و مطمئن‌تری هم صورت می‌گیرد و اقدامات و طرح‌ریزی‌ها نتیجه بخش می‌شود. [۷۴]

بر این اساس آینده‌پژوهی مهدوی، می‌تواند چند رویکرد مهم در این راستا اتخاذ کند:

۱. اقرار دادن جامعه مهدوی و دولت و نسل منتظر در مسیر انقلاب جهانی مهدوی؛

۲. تأثیر و ایفای نقش بنیادین در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با محوریت آموزه‌های متعالی مهدوی؛

۳. تلاش و برنامه‌ریزی مستمر و پابرجا برای رسیدن به جامعه موعود و تحقق ظهور و انقلاب جهانی؛

۴. الگوبرداری از جامعه آرمانی و شبیه‌سازی رفتارها و رویکردها.

البته انگاره محوری در آینده‌پژوهی مهدوی، این است که هنگامه ظهور کاملاً پوشیده و ناگهانی است؛ بنابراین وجهه همت آن شناسایی تمامی پدیده‌ها و رویدادهایی است که در حول و حوش آن اتفاق می‌افتد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«ظهور او مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد، آن را آشکار می‌سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است؛ جز به ناگهان، فرا نمی‌رسد.» [۷۵] و [۷۶]

پس اصل اطلاع از زمان ظهور، از دایره آینده‌پژوهی خارج است؛ ولی بسیاری دیگر از مباحث مربوط به آن (چون نشانه‌های ظهور، علایم آخرالزمان، شرایط ظهور و ...) در گستره آن قرار می‌گیرد.

نتیجه: مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی

به رغم پندار برخی، صرف توجه به «آینده»، نقطه پیوند و اشتراک مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی نیست؛ بلکه نوع نگاه به آینده و روش‌ها و دستاوردهای آن دو می‌تواند، نقطه ارتباط و تعامل آنها باشد. در این نوشتار، بحث مستقل «آینده‌پژوهی مهدوی» را طرح کرده و ادله و ابعاد مختلف آن را کاویدیم. روشن شد که در «آموزه مهدویت»، زمینه‌ها و مؤلفه‌های فراوانی برای «آینده‌پژوهی» وجود دارد و این آموزه از ظرفیت فراوانی برای تحلیل و ارزیابی حوادث و رویدادهای آتی برخوردار است. در عین حال می‌توان پیوندهایی نیز بین مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی برقرار کرد که به بعضی از آنها به صورت گذرا اشاره می‌شود:

۱. امکان بهره‌موری از بعضی مؤلفه‌های «آموزه مهدویت» در تحلیل و ارزیابی درست پدیده‌ها و رویدادهای جهانی و فهم دقیق این تغییرات و تحولات؛

۲. برنامه‌ریزی مناسب در جهت تبیین و ترویج آموزه مهدویت در سطح فراگیر و جهانی با کمک یافته‌های آینده‌پژوهی درباره پیشرفت‌ها و پسرقت‌های جهانی و تحولات فرارو؛

۳. روش‌مند کردن پژوهش‌های مهدوی (ارائه تصویر و طرحی واقعی از آینده مطلوب) با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی؛

۴. بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ملی، همراه با استفاده از یافته‌های آینده‌پژوهی از اوضاع جهانی؛

۵. بررسی نقش و جایگاه آموزه مهدویت، در تحولات و دگرگونی‌های آینده و ایجاد آمادگی جمعی و جهانی برای رودرویی با این تغییرات؛

۶. شناخت چالش‌ها و بحران‌های فراروی زندگی بشری که از طریق آینده‌پژوهی پیش‌بینی می‌شود و ارائه راه‌حل‌های رفع این بحران براساس دکترین مهدویت؛

۷. بهره‌موری از «آینده‌پژوهی» در جهت ایجاد دوراندیشی جمعی و توجه ویژه به آینده (برای طرح و تبلیغ آموزه‌های مهدویت در جامعه جهانی) و....

در پایان بیان این نکته بایسته است که لازمه «مهدویت‌پژوهی» در سطح کلان و علمی، «آینده‌پژوهی مفهومی» است؛ یعنی نظام‌مندی پژوهش‌ها و کاوش‌های علمی درباره آینده مطلوب و ممکن - با رویکرد مهدوی - و نظریه‌پردازی در این زمینه، منوط به بهره‌گیری از مدل‌های مفهومی است. نگارنده این رویکرد را با بهره‌گیری از مدل مفهومی دولت (دولت اخلاقی مهدوی) پی‌جویی کرده و آینده جهان را براساس تصورات و تطوراتی که از طریق دولت متبادر می‌شود، مورد کاوش قرار داده است. براساس این مدل مفهومی و به کمک آیات و روایات، می‌توان تصویری نسبتاً روشن از وضعیت‌ها و رویدادهای آینده ارائه داده و واقعیت‌های آن را باز گفت. البته شناسایی این مدل مفهومی و درک درست آن و تناسب آن با واقعیت‌های آینده، امری پیچیده و نیازمند مطالعه و تأملات نظری است. این رویکرد پژوهشی و علمی به آینده، می‌تواند تفاسیر و تبیین‌های تاریخی را در سطح کلان و هدفمند مطرح سازد و الگوها و قوانینی برای جریان کلی تاریخ ارائه دهد. این آینده‌پژوهی مفهومی، غیر از آینده‌پژوهی رایج در دنیا است که در سطح محدود، نگاه‌ها را به تحولات و رویدادهای فرارو متوجه می‌سازد و در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دخیل است و توانایی تحلیل جامع تاریخی از جهان و رویکرد نظری به آینده‌شناسی را ندارد.

[۱] پرومیچیچ، آینده پژوهی و مدیریت آینده، تهران، مرکز آینده پژوهی و اطلاع رسانی، ۱۳۸۷، ترجمه عبدالله حیدری، ص ۱۱.

[۲] نک: گروه مدیریت تکنولوژی مرکز صنایع نوین، گزارش اول، وزارت صنایع و معادن، خرداد ۱۳۸۱.

[۳] نک: موسی اکرمی، «روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی توسعه فردا»، آینده‌اندیشی و آینده‌نگری گروه آینده‌اندیشی، بنیاد.

[۴] نک: علی پایا، آینده علوم انسانی، فصل‌نامه حوزه و دانشگاه، ش ۴۹ (سال ۱۲، زمستان ۱۳۸۵)، ص ۱۲.

[۵] نگارنده، آینده جهان، (چاپ اول، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳)، ص ۲۳؛ به نقل از: محمد جواد لاریجانی، درس‌های سیاست خارجی، (چاپ اول، تهران: مشکوة: ۱۳۷۷) ص ۲۶۸.

[۶] همان.

[7]. Keenan, Michael, "Technology Foreight: An introduction", Technology Foresight for Orgonizers, 8-12, Ahklara, Turkey, December 2003.

[۸] همان.

[۹] پرومیچیچ، پیشین، ص ۱۰.

[۱۰] نک: الفبای آینده پژوهی، ص ۲۱ و ۲۲؛ جان دال، راهنمایی برای آشنایی با ادبیات آینده پژوهی، تهران، مؤسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی، (۱۳۸۵)، صص ۱۵ - ۲۵.

[۱۱] روح‌الله قدیری، «بررسی چند تجربه ملی آینده‌نگاری»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۶.

[۱۲] نگارنده، جستارهایی در مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۶، ص ۳۰.

[۱۳] نک: نگارنده، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۲۳ و ۲۴.

[۱۴] جیمز، دی‌تور، آینده پژوهی به عنوان دانش کاربردی، رهیافت، ش ۲۰، ص ۱۰۵.

[۱۵] علی پایا، آینده علوم انسانی، فصل‌نامه دفتر حوزه و دانشگاه، ش ۴۹، ص ۱۳.

[۱۶] عقیل ملکی‌فر و دیگران، الفبای آینده پژوهی، ص ۷۰ و ۷۱.

[۱۷] رابرت جی، لمپرت و دیگران، برنامه‌ریزی پابرجا برای یک قرن، ترجمه وحید وحیدی مطلق، (چاپ اور، تهران: اندیشکده صنعت و فن‌آوری، ۱۳۸۵) صص ۲۴ - ۲۷.

[۱۸] برای مطالعه بیشتر، رک، همان، ص ۲۴ - ۳۰؛ سعید خزائی، عبدالرحیم پدram؛ راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی، تهران، دانشگاه مالک اشتر، ۱۳۸۷، صص ۴۴ - ۸۸.

[۱۹] محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق، ص ۱۶۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۰.

[۲۰] شیخ مفید، الاختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۳۴۱ق، ص ۲۰۸؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، تهران، جهان، ۱۳۷۸ج ۲، ص ۱۳۰؛ «من هذا مهدي هذه الامة... لا تذهب الدنيا حتى يقوم رجل من ولد الحسين يملأها عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»؛

[۲۱] «... إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سُرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ. عَلَنَهُ مَطْوِيَةٌ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ. فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرٌ»؛ فضل بن حسن طبرسي، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج سوم، ۱۳۹۰ق، ص ۳۹۹؛ مجلسی، پیشین، ج ۵۱، ص ۷۳.

[۲۲] «... [۲۲] هو القائم بالحقّ و المظهر للدين و الباسط للعدل. اي والذي بعث محمدًا بالنبوّة و اصطفاه علي جميع البرية»؛ سيد مصطفي كاظمي، بشارة الاسلام، نجف، بي‌نا، ۱۳۸۲، ص ۵۲؛ لطف الله صافي گلپایگانی، منتخب‌الانوار، قم، سيدة المعصومه، ۱۴۱۹ق، ص ۴۶۷.

- [۲۳] حسن مصطفوي، التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۶.
- [۲۴] علي اكبر قرشي، قاموس قرآن، ج ۱۳، ص ۸۱.
- [۲۵] ناصر مكارم شيرازي و ديگران، تفسير نمونه، قم، نسل جوان، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۹۵ و ۴۰۷.
- [۲۶] بهاء الدين خرمشاهي، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهي، تهران، ناهيد، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۴۱.
- [۲۷] نك: محمد تقی موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، ج ۲، ص ۲۳۵.
- [۲۸] مجلسي، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.
- [۲۹] « إذا رأيت الحاجة و الفاقة قد كثرتا وأنكر بعضهم بعضاً و... فانتظروا أمر الله؛ نعماني، الغيبة، ص ۱۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۰.
- [۳۰] « إذا وُبد الأمر الي غير أهله فانتظر الساعة؛ البيان والتعريف، ج ۱، ص ۸۰؛ به نقل از: حسن مصطفوي، پیشگوني ها در علايم آخر الزمان، (چاپ دوم، تهران: مركز نشر آثار علامه مصطفوي، ۱۳۸۶) ص ۴۲.
- [۳۱] نك: سيد حسن ميرجهاني، نواب الدهور، نجف، كتابخانه حيدريه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹۱.
- [۳۲] سيد محمد كاظم قزويني، امام مهدي از تولد تا بعد از ظهور، چ اول، قم، انتشارات مسجد جمكران، ۱۳۷۸، ص ۲۹۹.
- [۳۳] نك: سيد محمد صدر، تاريخ غيبت كبري (چاپ اول، تهران: نيك معارف، ۱۳۸۲)، ص ۲۲۹ - ۲۳۲.
- [۳۴] سيد هاشم بحراني، البرهان في تفسير القرآن، قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۴۷؛ مجلسي، پیشين، ج ۵۱، ص ۱۴۷.
- [۳۵] علي كوراني، عصر ظهور، چاپ نهم، تهران، انتشارات شركت چاپ و نشر بين الملل؟، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶.
- [۳۶] نك: محمدرضا حكيمي، خورشيد مغرب (چاپ ۲۵، قم: دليل ما، ۱۳۸۲)، ص ۳۲۱؛ نگارنده، فروغ حق: مصاف حق و باطل از نهضت حسيني تا انقلاب مهدي، چاپ اول، قم: مركز تخصصي مهديت، ۱۳۸۷) ص ۲۰۷ - ۳۲۷.
- [۳۷] نك: محمد مهدي آصفي، انتظار پويا، چاپ اول، قم، مركز تخصصي مهديت، ۱۳۵۸، ص ۴۱ - ۴۲.
- [۳۸] «... [۳۸] لا يكون ما تمذون اليه أعينكم حتى يشقي من يشقي و يسعد من يسعد؛ نعماني، الغيبة، ص ۱۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.
- [۳۹] نك: علي اكبر قرشي، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ ناصر مكارم شيرازي و ديگران، پیشين، ج ۲۳، ص ۱۹۹.
- [۴۰] شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، زيارت صاحب الامر.
- [۴۱] « إذا رأيتم ناراً من المشرق شبة الهدي العظيم تطلع ثلاثة أيام او سبعة فتوقعوا فرج آل محمد صل الله عليه و آله...؛ موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، چاپ پنجم، قم، انتشارات مسجد جمكران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۴.
- [۴۲] « [۴۲] توقعوا الصوت يأتيكم بعنة من قبل دمشق فيه لكم فرج عظيم؛ نعماني، پیشين، ص ۲۷۹.

- [٤٣] سيد رضي، نهج البلاغه، ٢٦٠، ص ١٢٦؛ صافي گلپايگاني، پيشين، ص ٣١٤.
- [٤٤] شيخ طوسي، كتاب الغيبه، قم، موسسه معارف اسلامي، ١٤١١ق، ص ٢٧٦؛ نعماني، پيشين، ص ٨٣ و ٨٤.
- [٤٥] [٤٥] قاصص (٢٨): ٢١.
- [٤٦] سيد علي اكبر قريشي، پيشين، ج ٢، ص ١١٢ و ١١٣.
- [٤٧] ناصر مكارم و ديگران، پيشين، ج ٤، ص ٤٩ و ج ٢١، ص ٢١٨.
- [٤٨] مفاتيح الجنان، زيارت صاحب الامر.
- [٤٩] مجلسي، پيشين، ج ٥٢، ص ٢٥٦؛ صافي گلپايگاني، پيشين، ص ٤٢٥.
- [٥٠] « [٥٠] اذا زَهَقَ الزاهق و حَفَّتِ الحقايق و لَجِقَ اللالحق و ثَقُلَتِ الظُّهور و تَفَارَبَتِ الامور و حُجِبَ النشور... و يفتحون العراق و يحجمون الشقاق بِدَمِ يراق، فعند ذلك تَرَقَّبُوا خروج صاحب الزمان»؛ سيد مصطفي كاظمي، پيشين، ص ٧٤؛ محمد خادمي شيرازي، نشانه هاي ظهور او، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات مسجد جمكران، ١٣٨٥، ص ٩٩ و ١٠٠.
- [٥١] ابن شعبه حرّاني، تحف العقول، ص ٣١؛ مجلسي، پيشين، ج ٥٢، ص ٢٥٨.
- [٥٢] نك: محمد بن يعقوب كليني، كافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ ج ٨، ص ٣٨١، ح ٥٧٦.
- [٥٣] جواهر الكلام، ج ٢١، ص ٤٣.
- [٥٤] « [٥٤] أَحَدَرِكُمْ سَبْعَ فَنَنٍ تَكُونُ بَعْدَ فَنْتَةِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَدِينَةِ وَ فَنْتَةِ بِمَكَّةَ... قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: مِنْكُمْ مَنْ يَدْرِكُ أَوَّلَهَا وَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ يَدْرِكُ آخِرَهَا»؛ ابن طاووس، الملاحم و الفتن، چاپ بيروت، ص ٢١؛ محمد خادمي شيرازي، نشانه هاي ظهور او، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات مسجد جمكران، ١٣٨٥، ص ٦٢.
- [٥٥] « [٥٥] ايها الناس اربع خلال من استطاع ان لا يدركه شيء منهن فلا يدركه، قالوا و ما هي قال: يأتي زمانٌ يظهر فيه الباطل و يصبح الرجل علي دين و...»؛ طبقات، ج ٣، ص ٥٨٨؛ به نقل از: حسن مصطفوي، پيشگويي ها در علايم آخر الزمان. چاپ دوم، تهران، مركز نشر آثار علامه مصطفوي، ١٣٨٦، ص ٤٥.
- [٥٦] موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، چاپ پنجم، ١٣٨٠، ج ٢، ص ١٨٦؛ محمد خادمي شيرازي، نشانه هاي ظهور او، چاپ دوازدهم، قم، مسجد جمكران، ١٣٨٥، ص ١٢٥.
- [٥٧] مجلسي، پيشين، ج ٥٢، ص ٣٥٨.
- [٥٨] همان، ص ١١٣.
- [٥٩] شيخ مفيد، ارشاد، قم، كنز هزارة شيخ مفيد، ١٤١٣ق، ص ٣٥٢ (بقره (٢): ١٥٥).
- [٦٠] « [٦٠] إِنْ أَمَّتْكَ سَنَقَتٌ بَعْدَكَ بِقَلِيلٍ زَمَانٍ مِنْ دَهْرِكَ غَيْرَ كَثِيرٍ...»؛ سيد حسن ميرجهاني، پيشين، نواب الدهور، ص ١٦٦.
- [٦١] « [٦١] بِالكَفِّ وَالصَّبْرِ إِنْ أَعْطُوا الَّذِي لَهُمْ أَخَذُوهُ وَ إِنْ مُنِعُوا تَرَكَوهُ»؛ همان.
- [٦٢] صحيح مسلم، ج ٨، ص ١٦٨.
- [٦٣] « [٦٣] لِيَعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا...»؛ نعماني، پيشين، ص ٣٢، ح ١٠؛ مجلسي، پيشين، ج ٥٢، ص ٣٦٦.

« [٦٤] اللهم كما جعلت قلبي بذكره معموراً، فاجعل سلاحه بنصرته مشهوراً؛ مفاتيح الجنان، زیارت امام در سرداب مقدس.

« [٦٥] من ارتبط دابةً متوقّعاً به امرنا و يغيظ به عدونا و هو منسوبّ الينا أدر الله رزقه و شرّح صدره و بلّغه أمله و كان عوناً علي حوائجه؛ شيخ كليني، پیشين، ج ٦، ص ٥٣٥، ح ١.

« [٦٦] قال لي ابو جعفر محمد بن علي عليهما السلام: كم الرّباط عندكم؟ قلت: اربعون. قال عليه السلام: لكن رباطنا الدّهر؛ همان، ج ٨، ص ٣٨١، ح ٥٧٦.

[٦٧] علامه مجلسي، مرآة العقول، ج ٢٦، ص ٥٨٦.

[٦٨] نك: جوادي آملي، موعود موجود، (چاپ اول: قم، اسراء، ١٣٨٧)، ص ١٦٦.

[٦٩] محمد علي زم، جمهوري جهاني شيعه (چاپ اول، تهران: كتاب جمهور، ١٣٨٤)، ص ٩٣.

«... [٧٠] فاسعوا اليه و لو حبوا و الله كآتي انظر اليه بين الركن و المقام يبايع الناس؛ موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، (چاپ پنجم، قم، مسجد جمكران، ١٣٨٠)، ج ٢، ص ١٨٤.

«... [٧١] فجدّوا و انتظروا هنيئاً لكم ايّتها العصابة المرحومة؛ نعماني، پیشين، ص ١٠٨.

[٧٢] صحيفه نور، ج ٧، ص ٢٥٥.

[٧٣] محمد رضا حكيمي، خورشيد مغرب، چاپ بيست و پنجم، قم. انتشارت دليل ما، ١٣٨٢، ص ٢٨٤ (به نقل از مجله سخن، دوره ٢٠، ص ١٢٦).

[٧٤] نك: نگارنده، آينده جهان، ص ٢٠ و ٢١.

« [٧٥] مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت في السماوات و الأرض لاتأتاكم الابغثة؛ اعراف (٧): ١٨٧.

[٧٦] شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، ج ٢، ١٣٩٥ق، ج ٢، ص ٣٧٣.